



....بالاخره؛ «انسانیت» هست، نیست؟!!

## **(ادامه بحث) ضرورت حاد رستاخیز برای احیا و اعتلای «انسانیت»**

در «کوتاه نوشت» پیشتر؛ به این پرسش رسیدیم که: (لابد در جهان ما، در منطقه آسیایی و اسلامی ما، خاصتاً در ساحات «داعش» زده و «طالب» زده...ما)؛ بالاخره؛ «انسانیت» هست، نیست؟!!

تا جاییکه ما بشر های نوعی؛ عندالموقع به همدیگر تسلی میدهیم که :  
- هنوز انسانیت نمرده است!...

نتیجتاً باور داریم که «انسانیت» هست؛ به درجاتی وجود دارد؛ حایز کارایی است؛ و... و

...

ولی زمانیکه قرار است با عقل و خرد تجربی و سایننتفیک؛ بود و نبود و قوت و ضعف و غیره واقعیتی - آنهم ذهنی و قرار دادی و معنوی - را به سنجش گیریم؛ باور ها کافی نیستند!

پرسش اساسی این است که اصلاً «انسانیت» چه هست و چه میتواند و چه باید باشد؛ تا که سپس بتوان از بود و نبود و کان و کیف دیگر آن سر در آورد.

به لحاظ منطقی و ریاضیکی؛ خیلی از واقعیت های مادی و مجازی؛ به مدد ضد ها و متقابل هایشان بهتر و سریعتر به شناخت آدمی در می آیند؛ چنانکه «روز» وقتی خوب درک و دریافت میشود که «شب» قامت برافرازد و از جمله واقعیت های مجازی و معنوی؛ مثلاً چنانکه گفته اند: قدر «عافیت» کسی داند که به «مصیبت» ی گرفتار آید!

بدین قاعده؛ مسلماً؛ ضد و مقابل «انسانیت»؛ عبارت است از «حیوانیت»!

از آنجا که «انسانیت»؛ سلسله ای از نسبت های رفتاری و اخلاقی و فضیلتی و زیبایی شناختی... به موجود حیه ای موسوم به «انسان» است؛ پس لازمه شناخت آن؛ شناخت خود «انسان» در مقایسه به «حیوان» میباشد.

آیا انسان به راستی غیر از «حیوان» و ضد و متقابل «حیوان» است؟

میدانیم؛ علم پهناوری هست به نام زیست شناسی و "بیولوژی" که اکنون به صد ها شق تخصصی؛ شاخ و پنجه یافته است؛ مثلاً از آناتومی تا بیولوژی مالیکولی.

در تمام گستره پهناور این علم یا بهتر است بگوئیم: مجموعه علوم پایه ای و مثبت و مجرب؛ انسان (نوع بشر) یک حیوان تمام و کمال و بی چون و چراست!

موهوماتی که بافته شده است تا انسان چیزی غیر از حیوانات عادی طبیعت تصور شود؛ حتی در هیچ یک نقطه گستره پهناور علوم زیست شناسی؛ یارای حضور و وجود ندارد!

تا اینجا عرصه دید ما بیشتر افقی و مکانی است ولی آنسوتر؛ واقعیت پر جبروت زمان؛ عموداً حاکم است و قدرت آفریدگاری و خداوندگاری دارد.

ما اینجا به عمر چهار و نیم میلیارد ساله منظومه شمسی و کره زمین نمی پردازیم ولی علوم زمین شناسی و باستانشناسی و چینه شناسی و مکمل ها و منجمله شیمی و شیمی آلی (کیمیای عضوی) ثابت کرده اند که نخستین اشکال حیات حدوداً سه میلیارد سال قبل در کره زمین پیدایش یافته است و انواع موجودات حیه اعم از باکتری ها و میکروب ها و تک سلولی ها و بیش سلولی های نباتی و حیوانی محصول تکاملات (موتاسیون های) سه ملیارد ساله میباشند و هیچ نوع حیه ای در سراسر تاریخ و سراسر کره خاکی؛ به صورت آنی پیدا نشده یا از آسمان و ریسمانی نیافتاده است!

مبدا و جد و جده یک نهنگ و یک درخت و یک مورچه و یک پلنگ هم نخستین سلول هایی است که از بهم آمدن دوزکسی نیوکلیک ایسید ها و آمنو ایسید ها در «اقیانوس های آبگوشتی» نخستین روی زمین هستی یافته و به تکثیر و تولید مثل و تعامل و تکامل پرداختند و مبدا و جد و جده یک انسان و هر انسان دیروزی و امروزی هم. ولی محقق تر از همه سیر تکاملی موجودات کوچک پستانداری است که پس از سانحه عظیم امحای دیناسور ها و 90 فیصد موجودات حیه روی زمین در 65 میلیون سال قبل؛ از حفره های درون زمین بیرون آمده و در محیط جدید و مساعد و متفاوت؛ به سازگاری و تطور و تکامل شروع نمودند.

### «کوتاه نوشت» از تاریخچه پیدایش انسان:

\* آخرهای دوره زمین شناسی کرتاسه؛ منقرض شدن دایناسورها و پدید آمدن پستانداران کوچک به نام "نخستی سانان"

- راه رفتن به صورت چهار دست و پا ؛ زیستگاه، بالای درخت. با پنجه های قوی. گونه های شمارش شده؛ 350 عدد.

محل پیدایش امریکای شمالی و مهاجرت به امریکای جنوبی- آفریقا- خاور دور به خاطر شرایط آب و هوایی. - در آن دوره زمین شناسی هنوز قاره آفریقا و امریکای جنوبی از هم جدا نشده بود. -

\* نخستی سانان برای پیدا کردن غذا از بالای درخت به کف جنگل آمدند.

20 میلیون سال پیش؛

در فاصله حدود 45 تا 20 میلیون سال، بسیاری از 350 گونه شمارش شده "نخستی سانان" منقرض شدند. مگر "کپی" ها با 18 گونه شمارش شده از آن دسته بودند که نسل خود را حفظ کردند. بیماری ها و گروه های خونی تقریباً مشترک، از بارز ترین موارد های تشابه خانواده کپی ها با انسان کنونی است.

- کپی ها در رده بندی خانوادگی، "انسان واران" را تشکیل دادند.

- "کپی" ها به 2 گروه: "کپی های کوچک" و "کپی های بزرگ" رده بندی شده اند؛

- کپی های کوچک؛ شامل 14 گونه مختلف گیبون ها بودند.

- کپی های بزرگ؛ شامل انسان ها، اورانگوتان ها، شامپانزه ها و گوریل ها میگردیدند.

\* خانواده کپی های کوچک به خاطر عدم سازگاری با کف جنگل؛ به بالای درخت برگشتند

و بدین ترتیب؛ 2 خانواده "کپی" ها از هم جدا شدند. با جدا شدن گیبون ها از "کپی" های

بزرگ، خانواده "انسان سایان" متشکل از 4 تیره (انسان ها، اورانگوتان ها، شامپانزه ها و

گوریل ها) به وجود آمد.

14 میلیون سال پیش؛

\* دست آورد چندین میلیون سال زندگی در کف جنگل برای کپی های بزرگ یا همان "انسان سایان"، راه رفتن روی 2 پا بود. اما در این بین "اورانگوتان"ها نتوانستند خودشان را با این تعریف وفق بدهند و بدین ترتیب از 3 گونه دیگر جدا شدند و در نتیجه خانواده "انسان تباران" شکل گرفت.

مابین 8 تا 4 میلیون سال پیش؛

ابتدا گوریل ها و سپس شامپانزه ها از خانواده "انسان تباران" جدا شدند و نتوانستند همپای تکامل "انسان"ها حرکت کنند.

بر اساس تحقیقات؛ دی ان ای انسان با شامپانزه تقریباً شباهت 98 درصدی دارد. محققان هنوز نتوانسته اند به دلیل توقف سیر تکاملی گوریل ها و شامپانزه ها موازی با انسان؛ پی ببرند.

\* با خارج شدن گوریل و شامپانزه از خانواده "انسان تباران"، تنها انسان در این چرخه باقی ماند. چرخه ای که تقریباً 55 میلیون سال، پیش از آن تاریخ آغاز شده بود و گونه های مختلف یکی یکی از چرخه جدا شده بودند تا انسان در نقطه پایانی چرخه و نقطه آغازین اندیشه قرار بگیرد.

توضیح:

این چرخه تنها محدود به همین چند گونه یاد شده نیست و صرفاً به خاطر خلاصه گی به این چند مورد پرداخته ایم. در طول این چرخه گونه های انشعابی زیادی به وجود آمده اند که هرکدام بنا به دلایلی یا منقرض شده اند و یا نتوانسته اند همراه چرخه جلو بیایند. مثلاً حدود

7 میلیون سال پیش و بعد از جدا شدن گوریل ها از خانواده "انسان تباران"، خانواده "انسان سایان" به وجود می آید و گونه ای از انسان به نام "ساحل مردم چادی" به مدت 2 میلیون سال در قسمت آفریقای مرکزی زندگی میکند و سپس به دلایل نامعلومی منقرض میشود! و یا "جنوبی کپی" که شاخه ای منقرض شده از خانواده "انسان تباران" و دارای ویژگی های انسان مانند بوده، ولی جمجه ای کمتر از یک سوم انسان داشته است. از "جنوبی کپی" ها شاخه دیگری تکامل یافته بوده که به نام "فرامردم" خوانده شده است.

\* به وجود آمدن گونه های انسانی:

گونه انسان ماهر؛

از 2.5 تا 1.5 میلیون سال پیش زندگی میکرد. انسان ماهر اولین گونه انسانی است که از سنگ و استخوان حیوانات ابزار ساخته است. محل زندگی؛ آفریقا.

گونه انسان کارورز؛

حدود 2 میلیون سال پیش؛ آفریقا.

انسان راست قامت؛

حدود 1.7 میلیون تا 70 هزار سال پیش زندگی میکرد. است.

انسان خردمند، تکامل یافته از گونه انسان راست قامت است.

محل تکامل؛ آفریقا و مهاجرت به بیرون از آفریقا و به سمت آسیا.

بعد از انسان راست قامت، گونه های مختلفی به مدت های زمانی گوناگون در نقاط مختلف زندگی کرده و منقرض شده اند که در اینجا فقط به گفتن تیره برخی از آنها و زمان زیست

شان بسنده میکنیم.

انسان پیشگام؛

اولین گونه کشف شده در اروپا 1 میلیون و 200 هزار سال پیش.

انسان هایدلبرگی؛

گونه ای که از حدود 600 هزار سال پیش در آفریقا زندگی میکرده است.

انسان نئاندرتال؛

گونه ای که از 400 هزار سال پیش در آسیا و اروپا زندگی میکرده است.

انسان سپرانن سیس؛

گونه ای که از 500 هزار سال پیش در ایتالیا زندگی میکرده است.

\*\*\*\*\*

قابل یاد دهانی است که نخستین انسان ابتدایی دوران نوزیستی؛ کوچک بودند و از لحاظ عادات احتمالاً به سنجاب شباهت داشتند. بسیاری از ویژگی های اختصاصی نخستین ها، مانند میدان های بینایی دو چشمی که روی هم می افتد، صورت کوتاه، پنجه های جلویی که اشیا را محکم نگه می دارد و همچنین اندازه مغز و هوشیاری افزایش یافته آن ها، احتمالاً سازگاری هایی برای زندگی روی درختان فراهم میکردند. دودمانی که در نهایت به انسان ختم گردید، از روی درختان به کف جنگل فرود آمد تا به دنبال غذا بگردد و سرانجام شکار کند و شاید به طور اتفاقی در حاشیه جنگل، که تراکم درختان آن کمتر است، به زندگی پرداخته است.

سازگاری با مناطق مسکونی روی زمین در تداوم خود؛ به اتخاذ وضعیت ایستاده منجر شد. در این زمان دسته های شکارچی دارای مقصد تولید غذا گسترش یافت. نخستی سانان و گروه های متعاقب تکامل یافته از آنان؛ اغلب حیوانات درنده و گوشتخوار نبودند ولی غالباً در پی آتشسوزی جنگل ها در اثر صاعقه؛ که در نتیجه آن؛ حیواناتی پخته و کباب میشدند؛ خاصتاً گونه ای که به انسان منتهی شدند؛ به گوشت پخته که غذایی هضم شده است؛ دسترسی و عادت یافتند. و سپس با کشف و استیلا بر آتش؛ طرق صرف گوشت شکار را آموختند.

شاید ترتیب مشخص دندان های انسان و خاصتاً دندان های نیش وی که کوتاه شده اند همراه با تغییر رژیم غذایی و هنگامی که این نوع تکامل اجتماعی روی می داد، به وجود آمده باشد.

بر پایه تئوری های علمی، پیدایش نهایی گونه انسان با انتقال گروه های انسانی به سمت شکار در ابعاد بزرگ؛ که میزان زرنگی، هوش و همکاری را افزایش می داد، همراه بوده است.

\*\*\*\*\*

دانش معاصر؛ دقیق ترین اطلاعات را از سیر تکامل و تطور حدوداً پنج میلیون ساله نوع بشر؛ به دست میدهد ولی اینهمه اطلاعات را در «کوتاه نوشت» های نابغه آسا! که اینروز ها ماشاء الله جوانان پرشور و شعور و انرژی ما به آن رو کرده اند و ایستگاه های نشر و پخش هم گلچین هایی از آنها را با جملات تمجیدی و تشویقی همطراز کتاب ها و کتابخانه ها خواندن شان؛ به دست نشر میسپارند؛ نمیتوان گنجانید.

بر اساس این اطلاعات؛ بشر با اینکه ضمن تکامل بیولوژیکی، اناتومیکی و فیزیکی؛ دستاورد های بزرگ و سازنده از هوش بالای خویش در عرصه تنازع بقا فراهم کرده رفته که در فرهنگ های اولیه متبلور شده است؛ معهدا به طور یک کل طی دوران های بسیار طولانی نتوانسته است خود را از عالم وحوش؛ قسم بارز متمایز و منفک سازد.



این دوران های بسیار طولانی که هنوز شامل حال خیلی از قبایل جنگلی و کوهی و صحرایی در اطراف و اکناف عالم میشود؛ تحت عنوان «عصر توحش» مطالعه میگردد. از عصر توحش تا عصر تمدن؛ دوران کشدار و گسترده ای نیز به نام «عصر بربریت» مطرح است که خیلی از جوامع بشری علی الرغم «واردات تمدنی» هنوز در همین بازه تکامل اجتماعی و کلتوری قرار دارند.

لذا بدون حصول کلی ترین اطلاعات از این برهه های ده ها و حتی صدها هزاران سال عمر نوعی بشر؛ حتی میسر نیست ما تصور واقعی از واژه «انسان» پیدا نماییم تا چه رسد به «انسانیت».

اینجاست که تمنا می رود این «کوتاه نوشت» ها را دنبال فرمائید و پرسش ها و ملاحظات و انتقادات خویش را با ما شریک سازید.